احسان هوشمند

نوروز ایرانی و شهرداری تهران

در دنیـای امروز نمادهای انسـجام‌بخش جایـگاه ویژه‌ای در سیاسـت‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌هـای دولت‌هـا و نهادهـای فرهنگـی و اجتماعی دارند. افزایش نشـاط اجتماعی، تقویت سـرمایه اجتماعی و رشد مشارکت اجتماعی از آورده‌های این توجه اساسی به نمادهای انسجام‌بخش است. ایران به عنوان کشوری با تاریخی هزاران‌ساله میراث‌دار نمادهای انسجام‌بخش تاریخی، فرهنگی و تمدنی بسیاری است. نوروز و زبان فارسـی ازجمله این نمادهاسـت. در این میان نوروز و آداب و رسوم پیشین و پسین این آیین کهن مانند چهارشنبه‌سوری تا واپسین روزهای آن یعنی سیزده‌بدر، یکی از نمادهای جهانی و شناخته‌شـده زندگی اجتماعی، فرهنگ و تاریخ و تمدن ایرانی است. پدیده‌ای که بنا بر گزارش‌های تاریخی در سـده‌های طولانی بخشـی حذف‌ناشدنی از «ایرانیت» ایرانی‌تباران در ایران بزرگ فرهنگی بوده و هسـت. بنابراین نوروز در بنیان خود کارکرد همبستگی‌افزا و انسجام‌بخش و البته شـادی‌آفرین داشته است. گزارش تاریخ‌نویسان دوره اسـلامی نشـان می‌دهد با هجوم اعراب به ایران به تدریج محدودیت‌هایی برای نوروز اعمال شـد؛ از مخالفت با برگزاری جشن نوروزی تا دریافت خراج و افزون بر آن مالیات و هدایا و حتی گاه برخورد خشن با برپاکنندگان جشن‌های عمومی نوروز از یمن تا موصل و در شـمال و جنوب و باختر و خاور ایران فرهنگی ازجمله محدودیت‌هایی اسـت کـه در گزارش‌های تاریخی، ازجمله اعمال فشـار حجاج بن یوسـف ثقفی به مردم عراق در مخالفت با برگزاری جشـن نوروز، مورد توجه قرار گرفته اسـت. اما این سخت‌گیری‌ها نه‌تنها نتیجه‌ای برای حذف نوروز نداشت بلکه به تدریج در دوره عباسی حتی نوروز به دربار خلفای عباسـی نیز راه یافت و آیین‌هـای نوروزی در دربار خلفای عباسـی زینت‌بخش مجالس آنان شد. افزون بر آن در میان نویسندگان و شعرای عرب نیز نوروز جایی برای خود یافت. در نوروز اسـطوره، افسانه، ادبیات، سنت‌ها و رسوم هر یک کارکردی در دیرپا کردن و اسـتمرار این سنت تاریخی داشته‌اند. بی‌دلیل نیست که در میان تاریخ‌نویسان دوره اسلامی از طبری و مسعودی و یعقوبی تا تاریخ‌نویسان دوره جدید نوروز همواره مورد توجه قرار گرفته است و شعرای بزرگ ایرانی مانند فردوسی، سعدی، حافظ، مولوی، نظامی گنجوی، شهریار و بسیاری دیگر از بزرگان ادب و فرهنگ ایران‌زمین نیز در شعر خویش نوروز را فرخنده داشته‌اند. مروری بر نام‌های نویسندگان، مورخان و شعرایی که به نوروز پرداخته‌اند، گزارشگر اهمیت نوروز در جغرافیای بزرگی است که افزون بر ایران امروز، بخش‌های بزرگی از قفقاز، عراق، ترکیه و آسیای مرکزی تا هند و کشـور چین را دربر می‌گرفته و می‌گیرد. همچنین استمرار تاریخی هزاران‌ساله این جشن‌ها نیز وجه دیگری از اهمیت نوروز را برجسته می‌کند. گذر زمان، فشار برخی خلفای دوره اسـلامی از بنی‌امیه و بنی‌عبـاس تا هجوم مغولان و نیز وزش توفان‌های دوره تجدد هیچ‌یک نتوانسـته بر این جشـن دیرپا و گرامیداشـت آن از سـوی ایرانیان خدشـه‌ای وارد کند. با چنین ظرفیت‌های فرهنگی و تمدنی بزرگی که نوروز به عنوان یکی از عناصر «ایرانیت» ایرانیان دارد، ضروری اسـت که سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کشور توجه جدی‌تری به این مهم داشته باشند. شوربختانه در دهه‌های اخیر به اندازه ظرفیت‌هـا و اهمیت این یادگار تمدنی و تاریخی توجه جـدی به مقوله نوروز صورت نگرفته اسـت. در آخرین دسـت از این کم‌توجهی می‌توان به رویکرد شهرداری تهران در نوروز ۱۴۰۱ توجه کرد. پیش از نوروز شـهرداری در برپایی جشـن‌های ماه شعبان از ظرفیت‌های خود اسـتفاده زیادی کرد؛ درحالی‌که در نوروز خبری نبود. چنین رویکردی ضمن آنکه نشـانی از بی‌مبالاتی دارد، پیامدهایی ازجمله ایجاد شـکاف‌های هویتی و تقویت این شکاف‌ها را در پی دارد. در شرایط پیچیده و دشوار امروز ایران هر نوع تلاش برای تعمیق شکاف‌های اجتماعی میان ملت ایران می‌تواند اثرات نگران‌کننده‌ای داشته باشـد. قطبی‌سـازی جامعه از طریق توجه به بخشـی از عناصر فرهنگی و تاریخی و تمدنی و بی‌توجهی به دیگر عناصر از مهم‌ترین تحریک‌کننده‌هایی است که شکاف‌های موجود را فعال می‌کند. اصرار بر چنین رویکردهایی آب به آسـیاب دشمنان این کشور ریختن است. در همین نزدیکی‌ها کشـور سعودی با صرف ۱۴۰ میلیون دلار قصد دارد روایـت سـینمایی از «جنگ ذوقار» علیـه ایرانیان را تولید کند. فیلم ۳۰۰ سـاخته زک اسـنایدر نیز که در سـال ۲۰۰۶ اکران شـد، بر تاریخ ایران دوره خشایارشاه متمرکز بود. همچنین اعلام نفی نوروز توسط طلبه‌های حاکم بر افغانستان وجوه دیگری از دشمنی با میراث تمدنی ایران بـزرگ فرهنگی را نمایش می‌دهد. آیا تهیه چنین فیلم‌ها و نفی عناصر تمدن ایرانی تصادفی اسـت؟ آیا در درون کشور چنین بی‌مبالاتی و بی‌مهری به تمدن ایرانی نیز تصادفی است؟

بررسی تأثیر بیماری رئیس سیاسی‌ترین شورای شهر ایران در مدیریت تهران

شورای ششم بدون چمران

نورا حسینی: مهدی چمران قرن جدید را در بیمارستان آغاز کرد. روزهای ابتدایی فروردین ۱۴۰۱ برای او روزهای سـختی بود؛ چندین بار اعضای شورای شـهر نزدیک به او از مردم درخواست کردند تا برای شـفای او دعا کنند و شـهردار تهران هم پس از پایان سفر نوروزی‌اش به جنوب کشـور از وی عیادت کرد. سخنگوی شورای شـهر تهران گفته حال این روزهای مهدی چمران تغییر نکرده و هنوز به بخش منتقل نشـده اسـت. اما به نظر می‌آید وضعیت جسـمانی او از روزهای ابتدایی فروردین که به بخش ویژه بیمارسـتان خاتم‌الانبیا منتقل شـده بود بهتر است و ناامیدی‌های اولیه برای بازگشت سـلامتی او وجود ندارد. اما چمران ۸۱ساله بعد از سلامتی می‌تواند دوباره به شـورای شـهر بازگردد و همان نقش قبلی را ایفا کند؟ او در این مدت کوتاه از آغاز شـورای شهر ششم چندین بار در بیمارستان بستری شـد و جلسات زیادی را در صحن حاضر نبود. اما حضور کوتاه‌مدت او در جلسـات شـورا نیز اثربخش بـود؛ از تأخیر در تصویب ترکیب کمیسیون‌ها در صحن شورا که برخی به‌طور غیررسمی دلیل آن را تغییر در ترکیب برخی از کمیسـیون‌ها از سوی او عنوان می‌کردند تا تغییر سخنگوی شـورای شهر که گفته می‌شد قرار است مهدی اقراریان باشد و در نهایت علیرضا نادعلی این مسئولیت را بر عهده گرفت.

چمران در این مدت، حضور شهردار تهران در صحن شورا را محدود کرد و در زمانی که مطمئن شـد رایزنی‌های تلفنی به کاهش سقف بودجه در کمیسیون تلفیق ختم نمی‌شود، با حضور در صحن علنی شـورای شهر و نطقی تند و پر از کنایه خطاب به اعضای شـورای شهر گفت که به اندازه شهردار نه، بلکه اندکی به وی اعتماد کنند. او توانسـت سـقف بودجه را شش‌هزارو ۸۰۰ میلیارد تومان کاهش دهد.

تنش‌ها و جدال‌های شورا بر سلامت او تأثیرگذار بود. او در جلسه بررسـی بودجه زمانی که احساس کرد برخی از اعضا در حال رأیزنی برای رسیدن سقف بودجه به لایحه پیشنهادی شـهرداری هسـتند، فریاد زد کـه تاکنون ۲۰ بودجه بسـته و بودجه‌هایی که اجرائی شـده است. او که در آن جلسه تازه از بستر بیماری بلند شده بود و هنوز مدت استراحتی که پزشکان برایـش در نظر گرفته بودند به پایان نرسـیده بود، خطاب به مردم گفت یک جان که بیشتر ندارد و همین یک جان هم برای آنها و شهر تلف شود.

او در ایـن ماه‌ها بارها در میانه جلسـاتی کـه حاضر بود ریاست شـورای شـهر را به پرویز سروری سـپرد. همان‌طور که صندلی شـورای عالی اسـتان‌ها در تمام سال‌هایی که در شورای شـهر تهران حاضر بود به یک جز یک سال را به پرویز سروری سپرد و از نقش همیشگی که دوست داشت ایفا کند و پدری‌کردن برای شوراهای کشور انصراف داد.

او کـه در تمام سـال‌هایی که مدیریت شـهری و دولت از یک جریان سیاسـی بودند بالانشین جلسـات مشترک بود، در ایـن دوره در دیـدار شـهردار تهـران و رئیس‌جمهور حضور نداشت؛ نه او و نه دیگر اعضای شورای شهر تهران. اتفاقی که می‌گویند سرآغاز اختلاف‌های او و شهردار تهران بوده است.

مقایسـه مهدی چمران در شورای ششم با چمران شورای دوم نشـان می‌دهد او دیگـر در تصمیم‌گیری‌های ملی نقش چندانـی ندارد؛ درحالی که بسـیاری معتقدند مهدی چمران در شورای دوم شهرداری انتخاب کرد که به ریاست‌جمهوری رسید. هرچند این اتفاق دیگر تکرار نشد. او در تمام این سال‌ها تلاش کرده نماینده حاکمیت در مدیریت شـهری باشـد و در شـورای سـوم هم در انتقال قدرت از آبادگران به قالیباف در مدیریت شهری نقش داشت، در شورای چهارم نیز همزیستی مسالمت‌آمیزی با قالیباف داشت و پس از یک سال محرومیت از ریاسـت شورا توانست دوباره به ریاست شورای شهر برسد. اما چمران شـورای ششـم ضعیف‌ترین نسـخه چمران این سال‌هاست. او حتی نتوانست در بستن لیستی برنده انتخابات ایفـای نقش کند؛ همان‌طور که در انتخاب شـهردار نقشـی نداشت. گزینه نزدیک به وی رأی نیاورد و صحنه را به علیرضا زاکانی واگذار کرد.

او در تمام سـال‌های حضورش در شورای شهر از حمایت و همراهـی اکثریت اعضای شـورا برخوردار بـود، اما برخی انتقادهـای و مخالفت‌هایش با دیدگاه‌هـا و انتظارات اعضای جوان و انقلابی شورا، فاصله او را با جوانان انقلابی شورا بیش از پیش کرد و دیگر نمی‌توان انتظار داشـت که جوانان انقلابی شـورا مرید رئیس سالمند شورا باشند. این در حالی بود که در تمام سـال‌های حضورش در مدیریت شهری، اعضای شورا با هر گرایش سیاسـی و مدیران شهری حرمت ریش سفیدش را حفـظ می‌کردند و در برابر تفاسـیر او و نحوه اداره جلسـه او خاضع بودند. اما اصولگراهای جوان کمتر حرمت ریش سفید را نگـه می‌دارند، اعتراض می‌کنند و زیر بار حرف‌ها و نظراتش نمی‌روند. عارضه‌ای که از همان روز اول برای چمران مشخص شد؛ وقتی به خواست او بی‌توجهی شد و ترکیب آرای شهردار منتخب و نام شـهردار هم به رسانه‌ها داده شد تا بدترین شب در طول شـب‌های زندگـی چمران رقم بخـورد و او بگوید از شب‌های جنگ هم شب بدتری را گذرانده است.

چمران شـورای ششـم هم تغییرات زیادی با گذشته کرده اسـت؛ او دیگر مانند قبل صبـوری نمی‌کند، جسـورانه‌تر به شـهردار منتخب خود و مدیریت منتخب خود در شـهرداری نقد می‌کند؛ گلایه از کم‌عملی زاکانی در جلسات هیئت دولت و درخواسـت بـرای پیگیری افزایش بودجه تـا گلایه از اینکه بسیاری از معاونان شهردار را نمی‌شناسد. او در یکی از تذکرات تنـدش به زاکانـی از رواج بی‌قانونی در شهرسـازی به بهانه بازکردن قفل ساخت‌وساز گلایه کرد و به مدیران شهری هشدار داد این موضوعات را از نهادهای قضائی پیگیری می‌کند.

چمران شورای ششم هم تغییرات زیادی با گذشته کرده است؛ او دیگر مانند قبل صبوری نمی‌کند، جسورانه‌تر به شهردار منتخب خود و مدیریت منتخب خود در شهرداری نقد می‌کند؛ گلایه از کم‌عملی زاکانی در جلسات هیئت دولت و درخواست برای پیگیری افزایش بودجه تا گلایه از اینکه بسیاری از معاونان شهردار را نمی‌شناسد. او در یکی از تذکرات تندش به زاکانی از رواج بی‌قانونی در شهرسازی به بهانه بازکردن قفل ساخت‌وساز گلایه کرد و به مدیران شهری هشدار داد این موضوعات را از نهادهای قضائی پیگیری می‌کند

او بارها بـه علیرضا زاکانی و مدیرانـش فرصت صحبت در صحن را نداده اسـت؛ این را از سـخنان لطف‌الله فروزنده معاون شـهردار می‌توان فهمید در زمانی که اعضای شـورا درخواسـت توضیح و شفاف‌سازی درخصوص قرارگاه مسکن یا سـفر خارجی شـهردار دارند و می‌گوید ما از آقای چمران وقت خواستیم اما گفتند که دستور جلسه زیاد است و فرصت نیسـت. زاکانی فردا از غیاب چمران استفاده کرده و به صحن شورا می‌آید تا گزارش کار ارائه کند.

نزدیکان مهـدی چمران می‌گویند او بـه‌زودی بهبود پیدا می‌کند و به صحن شـورای شـهر می‌آید؛ اما بـه نظر می‌آید او در صورت بهبـودی نیز دیگر توان گذشـته را برای حضور در شورای شهر نداشـته باشد و دست‌کم در صورت اصرار به ادامه حضور در شـورا دیگر نتواند مسـئولیت ریاست شورای شهر را بر عهده بگیرد. دو دیدگاه در این خصوص وجود دارد؛ نخست اینکه او نیز مانند یار قدیمی‌اش عباس شیبانی تنها به حضور در صحن شورا بسـنده کند که بسیاری معتقدند او در صورت انصراف از ریاسـت به عنوان عضو عادی هم در شورا نخواهد ماند به‌ویـژه اینکه اعضای علی‌البدل نیز همه از یک جریان سیاسی هستند.

بااین‌حال، بسیاری شورای بدون چمران را به دلیل انتقادهای تند و تیز این ماه‌های چمران به شـهردار، قدرتمندشدن زاکانی و طرفدارانش تفسـیر می‌کنند؛ اما بـا افزایش منتقدان زاکانی در شورای شهر و مستحکم‌شدن ارتباطات آنها به نظر نمی‌آید عدم حضور او به این گروه از شـورا لطمه‌ای بزند. البته تصور برخی این اسـت که در صورت نبود چمران در شـورا منتقدان زاکانی ساکت و گوشه‌نشین می‌شوند.

اینکه شـورای ششم بدون چمران با تجربه طولانی حضور در شورا و با شناخت و تسلطی که روی مسائل شهری و شورا داشـت چقدر مانند گذشـته می‌تواند موفق باشد، مشخص نیست؛ اما با توجه به قدمت حضور حبیب کاشانی در شورای شـهر و سابقه پرویز سروری در شـورای چهارم، این دو عضو گزینه‌های محتمل برای پرکردن خلأ نبود چمران در شـورای شهر هستند.

درصورتی که ریاسـت چمران به دوره دوم نرسـد، طیف فرصت‌طلبی که وفاداری خاصی به دو طیف اصلی شـورای شـهر تهران ندارند، تلاش می‌کنند صندلی نایب‌رئیسـی را به دست بیاورند.

در میان گزینه‌هایی که مطرح است، در صورت عدم تمایل حبیب کاشـانی برای این سـمت، می‌توان مهدی پیرهادی را نزدیک‌تر بـه این صندلی دانسـت؛ هرچند برخـی معتقدند اعضای نزدیک به شـهردار تـلاش می‌کنند این صندلی را هم به یکی از اعضای وفادار به خود بسپارند. شورای ششم بدون مهدی چمران در برابر شـهرداری، شـورای قوی‌ای نخواهد بـود و باید دیـد مهدی چمران پس از بهبودی و بازگشـت از بیمارسـتان تا چند ماه می‌تواند فشارهای شورا و شهرداری را تحمـل کند؛ در دوره‌ای که دیگر همراهی و هم‌نظری سـابق را هم نه در نهادهای ملی و نه در شورای شهرداری ندارد.

بازتاب

جوابیه وزارت آموزش‌وپرورش به یک گزارش

وزارت آموزش‌وپرورش جوابیه‌ای به گزارش روزنامه «شـرق» با تیتر «وزارت آموزش‌وپرورش یا وزارت آموزش؟» ارسال کرده است. متن این جوابیه از این قرار است:

مدیرمسئول محترم روزنامه شرق

با سلام و احترام؛

در پاسـخ به مطلب مندرج در آن روزنامه به تاریخ ۱۴۰۰/۱۲/۱۵ با عنوان «وزارت آموزش‌وپرورش یا وزارت آموزش؟» پاسخ معاونت پرورشـی و فرهنگـی وزارت آموزش‌وپـرورش را به شـرح ذیل به استحضار می‌رساند:

آموزش‌وپـرورش به عنـوان یکـی از مهم‌ترین دسـتگاه‌های تأثیرگذار بر روش زندگی دانش‌آموزان موظف اسـت گام‌های مؤثر، باکیفیت و هدفمندی در زمینه رشـد دانش‌آمـوزان در عرصه‌ها و زمینه‌های مختلف بردارد و قطعا حمـایت قانون‌گذاران در زمینه تخصیص بـودجه‌های درخور می‌تواند بر بالابردن کیفیت و کارآیی فعالیت‌های پرورشـی و فرهنگی هنری، تأثیر مستقیم و مشخصی بگذارد. سند تحول بنیادین، به عنوان نقشه راه نظام آموزش‌وپرورش کشـور، تأکید بر تربیت تمام سـاحتی دانش‌آمـوزان دارد و تلاش معاونت پرورشی و فرهنـگی بر این است با ارائه برنـامه‌های متنـوع فرهنگی هنری در قالب جشـنواره‌ها، پویش‌ها، دوره‌های مهارت آمـوزی و... فعالیت‌های پرورشـی در کنار فعالیت‌های آموزشـی، حضور پررنگی در مدارس کشور داشته باشد.

برگزاری جشـنواره فرهنگی‌هنری فردا با ۴۰ سـال سـابقه اجرا در بیـش از ۸۰ رشـته، فراخـوان ملی پرسـش مهـر، کانون‌های فرهنگـی تربیتـی، با برگـزاری نزدیک بـه ۸۰ رشـته کارگاه های مهـارتی-علمی و تشکیل و فعالیت انجمن‌های ۲۲گـانه و برگزاری صدها پویش ملی، استانی و منطقه تصدیق‌کننده این ادعا هستند که دانش‌آموزمحـوری و دانش‌آموزباوری در تمامی برنامه‌ها و ارتقای مهارت‌های اجتماعی و مسئولیت‌پذیری در آنان مدنظر است.

از دیگر سـو بـه منظور کاهش آسـیب‌های اجتماعـی در بین دانش‌آموزان با برنامه‌هایی از قبیل برنامه ملی نماد (نظام مراقبت دانش‌آموزان)، خط ملی ۱۵۷۰ (که به صورت رایگان اسـت)، نظام توانمندسازی معلمان و والدین و... اقدام به ارائه مشاوره، مداخلات بهنـگام و ارجاع به مراکز ذیربط به دانش‌آموزان، معلمان و والدین می‌کند، همچنیـن با اجرای طرح همدل(ویـژه دوران کرونا)، پیام مشـاور، صدای مشاور و... نسبت به ارائه آموزش‌های بهنگام اقدام می‌شـود. هرچند معاونت پرورشـی و فرهنگی متولی تعیین‌کننده آینده شـغلی دانش‌آموزان نیست اما با این وجود به منظور هدایت صحیح دانش‌آموزان به شـاخه‌ها و رشـته‌های تحصیلی-شغلی، آماده‌نمـودن آنان برای پرداختن به تحصیلات عالیه و ورود به بازار کار بـا توجه به امکانات و نیازهای جامعه هدایت تحصیلی و هفته معرفی مشاغل را هرساله در سطح کشور برگزار می‌کند.

با تشـکیل کانون یاریگـران زندگی با همکاری و حمایت سـتاد مبارزه با مـواد مخدر با استفاده از ظرفیت همه تشکل‌ها و آموزش و مشـارکت همتایان و همسـالان، نهضتی فرهنگی بـرای ارتقای مهارت‌هـای دانش‌آمـوزان در پیشـگیری از اعتیاد و آسـیب‌های اجتماعـی در دانش‌آموزان ایجاد می‌کنـد. در پایان مکرر از دغدغه آن رسانه وزین نسبت به مسائل آموزش‌وپرورش تشکر و قدردانی به عمل می‌آید. خواهشمند است دستور فرمایید طبق قانون مطبوعات و رسـانه‌ها نسـبت به درج جوابیه این مرکـز در همان صفحه و با همان قلم اقدام لازم صورت گیرد.

مصطفی بابایی

رئیس مرکز اطلاع‌رسانی و روابط عمومی

ورود زنان به ورزشگاه‌ها از منظر حقوقی

ادامه از صفحه ۲

نه مرجع وضع‌کننـده چنین ممنوعیت و محرومیتی مشـخص است، نه چارچوب و ابعـاد آن و نه حدود و ثغورش. اگر چنیـن ممنوعیتی را متکی به نظر مراجع تقلید می‌کنند، نخسـت اینکه مشـخص نیست که همگی مراجع چنین نظری داشته باشند و در وهله بعدی با توجه به اینکـه نظام حاکم ویژگی اسـلامی دارد، اگر چنین نظری مورد اجماع و اتفاق علما اسـت، چرا جنبه قانونی نمی‌یابد؟ مشخص است که بنای تأسـیس نظام اسلامی همین است که نظرات علما به مقررات و قوانین تبدیل شـوند وگرنه اگـر هر عالم یا مجتهدی نظری داشته باشـد و چنین نظری بدون اینکه شکل قانونی بیابد، الزام‌آور شـود، هـم هرج‌ومرج و اختلاف به وجـود می‌آید و هم جایـگاه نظام و قانون به‌عنوان فصل‌الخطاب متزلزل می‌شـود. با توجه به همگی مواردی که بیان شد، تا مقرره صریحی، ممنوعیتی برای حضـور زنان در ورزشـگاه‌ها وضـع نکند، حضـور زنان در ورزشـگاه‌ها قانونـی، آزاد و جزئی از حقوق آنان اسـت. بر مبنای ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسـلامی نیز هر یک از مقامات و مأموران وابسـته به نهادها و دسـتگاه‌های حکومتی کـه برخلاف قانون، آزادی شخصی ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسـی جمهوری اسـلامی ایران محروم کند، علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی به حبس از دو ماه تا سـه سـال محکوم می‌شـود؛ ازاین‌رو بر قوه قضائیه و دادستانی است که مانع از تضییع حقوق شهروندان شوند و رئیس قوه مجریه نیز باید به‌عنوان مجری قانون اساسـی دراین‌باره ورود کرده و از حق شهروندان صیانت کند.

عیب از خود ماست

ادامه از صفحه اول

مسـئولان یا سردمداران فدراسیون فوتبال می‌آیند آنها را از خانه‌هاشان بیرون می‌کشـند که یا الله ورزشگاه را پر کنید؟ ممکن است سـه، چهار بار به طور قلابی و به هزینه دولت و به وسـیله نیروهای خود ورزشـگاه را پر کنند، بعـد چه خواهند کرد؟ همواره که نخواهند توانسـت از بودجه دولتی یا سـازمانی ورزشـگاه‌ها را پر نگه دارند. اگر بخواهند ایـن کار را بکنند درآمدهای میلیاردی‌شـان از دست می‌رود و کلی هم هزینه روی دست‌شان خواهد گذاشت.

تازه این سـهم مردم اسـت. فوتبالیسـت‌های مـا تنها وظیفه‌شـان در زندگـی این اسـت که به هـر قیمتی بروند در زمیـن ورزش فوتبال بازی کنند؟ فوتبـال صرفا به خاطر فوتبـال؟ ورزش کاری دسـته‌جمعی و اجتماعی نیسـت؟ پس روحیه ورزشکاری‌شـان چه می‌شـود؟ آنها می‌توانند به‌طور دسـته‌جمعی تصمیم بگیرند که وارد زمین نشـوند مگر زمانی که مادران و خواهران آنها بتوانند برای تماشـای هنرنمایی آنان وارد زمین شـوند. چرا چنین نمی‌کنند؟ فقط بـه خاطر پول؟ این کاسـتن از مفهوم ورزش و ورزشـکاری نیست؟ فرهنگ ورزش کجاست؟ پس آنچه از مفهوم رادی و جوانمردی در تاریـخ ورزش می‌خوانیم، از پوریای ولی تا تختی، همه پرت و بی‌معناست؟

اگر آنها این چیزها را متوجه نمی‌شوند بر ورزشی‌نویسان ماسـت که مفهوم ورزش را به آنان بیاموزنـد. آنان در این ۵۰، ۶۰ سـالی که مجلات تخصصی ورزشـی داریم، به چه کاری دسـت زده‌اند و چه می‌کنند؟ آیا به وظایف خود عمل می‌کنند؟ اگر نمی‌کنند که وای بر ما.

می‌گوینـد ما یکی از ۱۰ یا ۱۵ ملت بزرگ جهان هسـتیم. گویا ما از ملل قدیمی و تاریخی جهان هسـتیم. گویا ما سه، چهار هزار سـال تاریخ مدون داشـته‌ایم. گویا ما چند هزار سال حکومت داشـته‌ایم و چند هزار سـال است که شیوه کشـورداری را تجربه کرده‌ایم. اگر ما با این سوابق مشعشع نتوانیم یک مسـئله جزئـی را حل کنیـم، چگونه خواهیم توانست در دنیای پرتنازع امروز خود را در میان ملل مختلف جهان حفظ کنیم و از شـر تجاوز دیگـران در امان بمانیم؟ مهم‌تر از همه اینها مـا چگونه قادر خواهیم بود که هویت خود را نگه داریم؟